



هنر پدال گیری در پیانو

هاینریش گبهارد

ترجمه: علی ستارزاده
بازنگری و ویرایش فنی: رضا طاهری



هنر پدال گیری در پیانو

هاینریش گبهارد

ترجمه:

علی ستارزاده

بازنگری و ویرایش فنی:

رضا طاهری



ناشر تخصصی موسیقی

فهرست

- ۸..... مقدمه
- ۸..... پدال دمپر
- ۸-۱- تکنیک پا
- ۸-۲- علامت پدال
- ۹..... پدال گیری برای تک آکورد ناپیوسته
- ۹..... پدال گیری برای آکورد شکسته ناپیوسته
- ۱۰..... ۴- پدال سنکپ دار: ایجاد صدای تک نت و کاملاً پیوسته
- ۱۱..... ۵- اجرای آکورد، آرپژ و هارمونی در موسیقی هایی با پیوستگی زیاد
- ۱۳..... ۶- اجرای ملودی با نت های گتر و همراهی نت های قوی در دست چپ
- ۱۷..... ۷- ترکیب رجیستر بالا و پایین پیانو در صداهای ترکیب شده
- ۲۱..... ۸- استاکاتو، نیمه لگاتو، لگاتو (با پدال و بی پدال)
- ۲۳..... ۹- پدال گیری همراه با جمله بندی
- ۲۶..... پدال گیری در کل جمله
- ۲۷..... ۱۰- اجرای نت های کشیده در ملودی های نسبتاً سریع
- ۲۷..... ۱۱- پدال گیری برای تأکید کردن روی ریتم
- ۲۹..... پدال گیری روی ضرب های مختلف یک میزان
- ۳۴..... ۱۲- پدال گیری برای رنگ آمیزی
- ۳۵..... در هم آمیختن نت های رنگارنگ روی رجیستر پایین پیانو
- ۳۶..... پدال گیری برای رنگ آمیزی آثار پیانویی مکتب امپرسیونیسم
- ۳۷..... ۱۳- پدال لگاتو
- ۴۱..... ۱۴- پدال گیری صدای تیز و استاکاتوهای نافذ
- ۴۲..... ۱۵- استاکاتوی خشک و نرم
- ۴۵..... ۱۶- بیرون کشیدن صداهای میانی
- ۴۶..... گسترش دادن یک هارمونی با پدال

- ۱۷- افکت‌های نامتعارف ۴۷
- اجرای آکوردی که بعد از یک پاساژ پر حجم به همراه پدال می‌آید ۴۷
- ۱۸- کنتراست (تضاد) ۴۸
- ۱۹- پدال‌گیری برای قطعات باخ و هم عصرانش ۵۰
- ۲۰- چگونه قطعات اولیه بتھوون، هایلن و موتزارت را پدال بگیریم ۵۱
- ۲۱- نیم پدال ۵۲
- پدال سوستوتو (وسط) ۵۳
- پدال سوستوتو همراه با پدال دمپر ۶۱
- پدال نرم (چپ) ۶۴
- پدال نرم ابزاری برای کم کردن تدریجی صدا ۶۶
- اجرای پیانیسیمو با پدال نرم ۶۷
- اجرای «کرشندو» و «دی کرشندو» طولانی ۶۷
- استفاده هم‌زمان از پدال دمپر و نرم در طول یک قطعه ۶۷
- ضمیمه ۷۱
- پدال در موسیقی مجلسی ۷۱
- منابع ۷۲

یک اجرای خوب پیانو نیازمند رعایت موارد زیادی است مانند لحن، تکنیک، رعایت ریتم در همه حالات، جمله‌بندی، دینامیک‌ها، به کار بردن پدال‌ها مخصوصاً استفاده ویژه از پدال دمپر (پدال سمت راست). بسیاری از این موارد توسط اساتید باتجربه تدریس می‌شود و هنرجویان گرامی هم آن‌ها را در تمرینات خود به کار می‌برند؛ اما آموزش تخصصی و هنرمندانه استفاده از پدال دمپر مورد بی‌توجهی خیلی‌ها قرار گرفته است.

باوجود زمینه‌های گسترده هنوز تعداد معدودی محقق موسیقی در این زمینه مقالاتی نوشته‌اند. هنر و سلیقه استفاده از پدال دمپر به زیبایی آن اثر که جزء جدایی‌ناپذیر آن است اضافه می‌کند و بی‌توجهی به این مورد قابل توجیه نیست.

این معضل زمانی تشدید می‌شود که در ویرایش قطعات کلاسیک و رمانتیک چیزی از نشانه‌های پدال مشاهده نمی‌شود یا اگر هم بشود بسیار اندک است. گاهی اوقات به‌اختصار، اول قطعه می‌نویسند (con pedal) یعنی با پدال بنوازید که این بیشتر جنبه شوخی دارد تا نکته و ما آن را «پشت گوش انداختن» تعبیر می‌کنیم.

به‌طور مثال در اکثر آثار پیانوی دبوسی و راول بیش از یک نوع پدال به کار رفته است و رنگ و فضای این‌گونه موزیک‌ها کاملاً به استفاده صحیح از پدال دمپر بستگی دارد که معمولاً علائم آن نوشته نمی‌شود.

موارد زیر نمونه‌هایی است که شاهد علائم کامل پدال در آن‌ها هستیم:

- کنسرتوی «ادوین هاگز»^۱ و سایر آثارش

- کنسرتوی گریک از «گرینجر»^۲

¹ Edwin Hughes

² Grainger


بسیاری از آهنگسازان مدرن قطعات خود را با تمام علامت‌های پدال منتشر کرده‌اند. بسیاری از مدرسین در کلاس‌هایشان به گرفتن پدال و نگرفتن آن را در جای مناسب می‌پردازند؛ و البته پیانیست‌های تجربه‌روی سن‌های کنسرت به شکل هنرمندانه‌ای از پدال استفاده می‌کنند.


به‌رحال در وهله اول، آموزش استفاده از پدال دمپر امری ضروری است. زیاده‌گویی نیست اگر بگوییم معمولاً در اجراهای عمومی پیانو یا خیلی کم پدال گرفته می‌شود و یا خیلی زیاد. برخی هنرجوها به‌ویژه مبتدی‌ها برای اینکه اجرایی احساسی داشته باشند تمام میزان‌ها را پشت سر هم پدال می‌گیرند تا نت‌ها درهم‌آمیخته شنیده شود. نظر «لیشتیتسکی»^۱ درباره این‌گونه افراد این است که پاهای خود را روی پدال می‌خوابانند. یک سری افراد به‌شدت از پدال می‌ترسند. آن‌قدر کم پدال می‌گیرند که مثلاً یک آلگروی بتهوون را چیزی مانند اتود چرنی اجرا می‌کنند. تعداد کمی هنرجو پیدا می‌شوند که در حد نرمال از پدال استفاده کنند.

جالب است بدانید در حقیقت صدای پیانوزمانی طبیعی شنیده می‌شود که در جای مناسب پدال گرفته شود. پیانوفورته نسلی از هارپ و سنتور است و وقتی که پدال دمپر فشرده می‌شود و سیم‌ها آزاد می‌شوند تا به ارتعاش دربیایند، آن لحظه است که صدای طبیعی پیانو به گوش می‌رسد. وقتی که پدال «صدای بلند» (منظور دمپر است) به فشار درمی‌آید، صداهایی که به گوش می‌رسد در اثر ارتعاش آزاد سیم‌ها در هوا است. پیانو، ساز زنده‌ای است. پدال دمپر نیز باید پدال «زنده» نامیده شود تا پدال «بلند». وقتی که پدال دمپر در حالت نرمال است (فشار داده نشده است) صدایی که از پیانو خارج می‌شود صدایی شفاف و خشک است اما وقتی که پدال فشرده است صدای پرتین شنیده می‌شود.

¹ Leschetizky

هنر پدال گیری در پیانو / ۷

«آنتون رابینشتاین»^۱ پدال دمپر را «روح پیانو» می نامد. در دنیای پیانو تنوع عظیمی از بافت های موسیقی وجود دارد. از موزیک های مونوفونی (موسیقی ای با یک خط ملودی تنها) گرفته تا قطعات پیچیده و بسیاری از قطعات دیگر که با رنگ آمیزی های مختلف با پدال دمپر ایجاد می شوند که همیشه هم خوشایند نیست. بر این اساس آثار پیانویی باید با ظریف ترین نکات موسیقایی، هنری و متمایز از هم استفاده شوند. بعضی قطعات باید با پدال گیری فراوان، برخی متوسط و برخی بدون هیچ پدالی اجرا شوند. باید این را هم باید در نظر بگیریم که در رجیستر بالاتر از  ممکن است پدال را در کل گام یا پاساژها نگه داریم اما نه بیش از حد که نت ها درهم آمیخته شوند و ضعیف شنیده شوند.

از رجیستر  به پایین اگر گام یا پاساژ چندصدایی وجود دارد نباید پدال زیاد گرفته شود حتی در برخی موارد اصلاً گرفته نشود. مسلماً این کتاب رساله جامعی در زمینه پدال دمپر نیست و تقریباً غیر ممکن است که بتوان تمام ترکیبات موسیقی و صداها را در رابطه با گرفتن یا نگرفتن پدال تفسیر کرد؛ اما نویسنده بر اساس اهمیت، موضوعات را دسته بندی کرده است. برای هر دسته بندی مثالی از مشهورترین قطعات آورده است تا تأثیر آنچه گفته می شود لمس شود. پیشنهاد می شود هنرجوها بعد از خواندن هر قسمت شروع به اجرای مثال ها با پدال کنند تا بتوانند تأثیر آن را نسبت به زمانی که پدال نمی گیرند و یا اشتباه می گیرند بفهمند.

امید است این کتاب بتواند حس غریزی و مسلم هنرجویان متوسط برای پدال گیری صحیح را پرورش دهد.

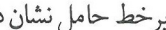
¹Anton Rubinstein

پدال دمپر

۱. تکنیک پا

پنجه پای راست را روی پدال دمپر (پدال راست) قرار دهید و پاشنه پا محکم روی زمین چسبیده باشد و به‌صورت یک محور عمل کند. بالا و پایین بردن پدال باید بدون صدا با نرمی قوزک پا انجام شود. پا باید پدال را فشار دهد نه از آن جدا شود و نه ضربه بزند. وقتی پدال پایین است باید به‌طور کامل پایین برود و وقتی بالا می‌آید باید کاملاً بالا باشد. فارغ از اینکه پدال بالا است یا پایین، پنجه پا در تمام مدت باید با پدال در تماس باشد.

۲. علامت پدال

علامت پدال‌گیری در این کتاب با نشانه  زیرخط حامل نشان داده شده است. نت اول در ابتدای این علامت نیز شامل پدال‌گیری می‌شود؛ یعنی یک لحظه بعد از آن‌که اولین نت بالای علامت را زدید باید پدال را به پایین فشار دهید و تا پایان علامت، پدال را نگاهدارید.

در این قسمت هر جا کلمه پدال را شنیدید به معنی پدال دمپر است.

۳. ایجاد تک‌نت‌های ناپیوسته با پدال‌گیری



BEETHOVEN, Sonata, Op.27, No. 1

Allegro giusto



MOUSSORGSKY, *Pictures at an Exhibition*

پدال گیری برای تک آکورد ناپیوسته

(Allegro vivace)



BEETHOVEN, *Sonata, Op. 2, No. 2*

Allegro molto



BEETHOVEN, *Sonata, Op. 110*

پدال گیری برای آکورد شکسته ناپیوسته

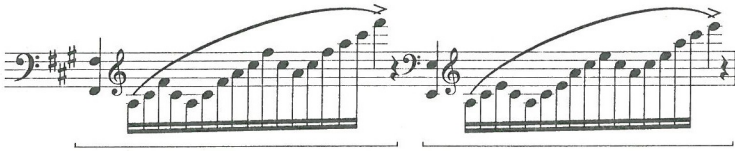


Mozart, *Fantasy, C minor; K.475*

Lento a capriccio



LISZT, *Rhapsody No. 11*



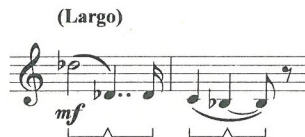
MOZART, *Piano Concerto, A minor, K.488*
(From cadenza by Reinecke)

۴. پدال سنک‌پدار: ایجاد صدای تک‌نت و کاملاً پیوسته

اگرچه نت‌ها به وسیله انگشت‌ها با پیوستگی اجرا می‌شوند، باید به وسیله پدال نیز به یکدیگر وصل شوند. این عمل به اصطلاح «پدال سنک‌پدار» گفته می‌شود که علامت آن — هـ است. برای اجرای این نوع پدال درست یک لحظه پس از زدن نت، پدال را فشار دهید و تا اجرای نت بعدی نگاه دارید. زمانی که خواستید نت بعدی را بزنید پدال را رها کرده و مجدداً یک لحظه پس از اجرای نت جدید آن را بفشارید. لازم به ذکر است که در تمام مدت، پا نباید تماس خود را با پدال قطع کند و زمانی که پدال به بالا رها می‌شود باید کاملاً آزاد شده باشد و فشاری روی آن نباشد. این عمل، اجرای صحیح پدال‌گیری است و دونت متصل به هم بدون این که درهم آمیخته شوند شنیده می‌شوند.



BEETHOVEN, *Sonata, Op. 28*



BEETHOVEN, *Sonata, Op. 31, No. 2*



BACH, C# minor Fugue, Well-Tempered Clavier, Book I



MOZART, Fantasy, C minor, K. 475



CESAR FRANCK, Prélude, Aria et Final

۵. اجرای پدال‌دار آکوردهای متصل و شکسته، آرپژ و هارمونی در

موسیقی‌هایی با پیوستگی زیاد

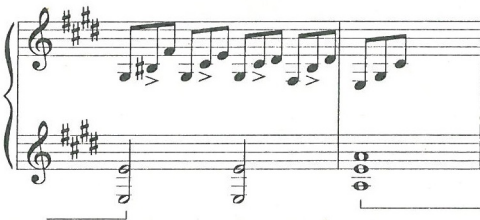
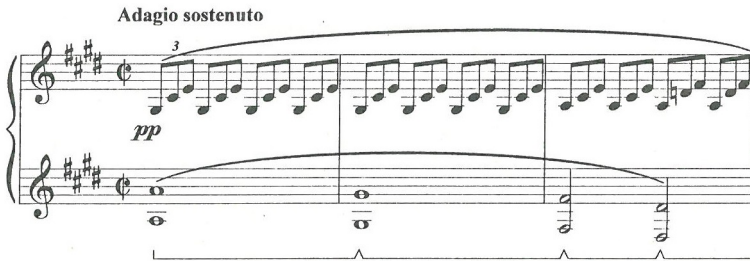
تغییر وضعیت پدال معمولاً در تغییر هارمونی اعمال می‌شود (همیشه با پدال سنکپدار).



BEETHOVEN, "Waldstein" Sonata, Op. 53



BEETHOVEN, "Waldstein" Sonata, Op. 53

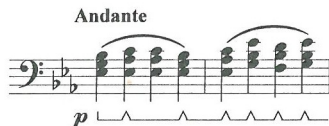


BEETHOVEN, "Moonlight" Sonata, Op. 27, No. 2

معمولاً در قطعات بسیار لطیف پدال چپ (una corda) به همراه پدال دمپر گرفته می‌شود

توجه داشته باشید که در این حالت تمام قوانین پدال دمپر به قوت خود باقی است.

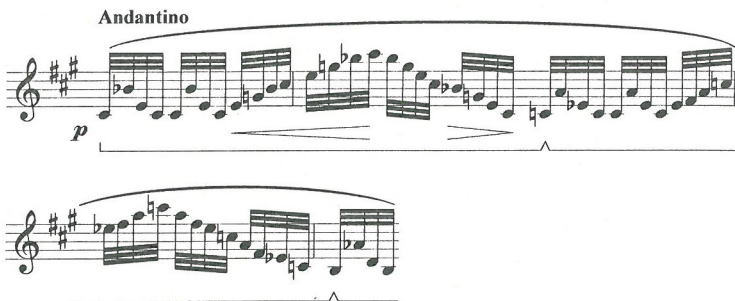
هنر پدال‌گیری در پیانو / ۱۳



CHOPIN, *Nocturne, G minor, Op. 37, No. 1*



MOZART, *Sonata, C major, K. 545*



SCHUBERT, *Sonata, A major, Op. Posth.*

۶. ملودی با نت‌های گذر در دست راست و همراهی نت‌های قوی در دست چپ با پدال اجرا می‌شوند.

نت گذر (نتی غیر هارمونیک که دو نت هارمونیک را با حرکتی پیوسته به هم وصل می‌کند) در ملودی دست راست نباید نامشخص و محو شنیده شود حتی زمانی که هارمونی قطعه در رجیسترهای پایینی تثبیت شده باشد بخش همراهی بسیار نرم اجرا می‌شود.